



عطاءالله مهاجرانی

سایه، پنجره‌ی تماشای جان و جهان



بهاءالدین خرمشاهی

شک نیست که سایه نیز هم خواهد بود



محمد بقایی ماکان

مردن عاشق نمی‌میراندش

با یادداشت‌هایی از:

علی ربیعی، علی اصغر حداد
شاهرخ توپسرکانی و محمود معتقدی

پیام تسلیت مسئولان در پی درگذشت هوشنگ ابتهاج



محمود دولت‌آبادی

امیر هوشنگ ابتهاج باقی است

در این سال‌ها اخیر شرایط اجتماعی ما طوری بود که امکان نزدیکی بیشتر میان افراد مقدور نبود. از جمله مقدور نبود که من بیش از آن که آقای ابتهاج را دیدم ببینم. در جوانی یک‌بار به اتفاق آقای کسرایی رقتیم به دیدن هوشنگ ابتهاج و آن اولین تصویری است که از ایشان دارم. بعد از آن وقتی آمده بود تهران، بعد از زندان و بعد از مهاجرت به اروپا و برگشت به ایران، به اتفاق پسر سیاوش رقتیم خدمت ایشان. قصه از این قرار است که قبل از انقلاب ما جوان‌ها گشت خودمان را داشتیم و تا بیاییم به خود بچنینم برده شدیم زندان، بعد که بیرون آمدیم در آستانه انقلاب آقای ابتهاج سر در کار موسیقی موج نو سنتی داشت در رادیو. بعد از انقلاب حزب توده ظاهر شد و طبعاً نمی‌شد ایشان را دید. چون من توده‌ای نشده بودم و از دوستان قبلی من آقای لطفی بیشتر رفت‌وآمد داشت با سایه. بعد از وارد کردن ضربه به حزب توده، آقای ابتهاج برده شد زندان و... پس دیدار ما افتاد به وقتی که مهاجرت کرده بود آلمان و چندی برگشته بود تهران که گفتم با سیاوش رقتیم دیدنش و آن اولین دیدار ما بعد از آن مآووق بود که تمام مدت داستان‌هایی گفت درباره مرتضی کیوان، شخصیت ممتازی که در میان رفقای سایه و شاملو و سیاوش کسرایی بوده و از انسانیت و دوستی و رفاقت او و دو ساعتی که آنجا بودم از کیوان گفت و شنیدنش هم برای من سیری‌ناپذیر بود. که چه انسان شریفی بوده است و چقدر مؤثر بوده در شکل‌گرفتن شخصیت هنری اشخاصی مانند آقای ابتهاج، کسرایی و دیگران. در مورد کیوان، این فقط سایه نبوده که عاشقانه و لحظاتی اشک‌بار از مرتضی کیوان حرف می‌زد، بلکه شاملو، نجف دریابندری و سیاوش کسرایی هم از چنان انسان بی‌نظیری با من گفته بودند. افزون بر همسرش بانو پوری سلطانی که مستندی از کیوان تدارک دیده بود که خوشبختانه دعوت شده به تماشایش و به نظرم رسید مرتضی کیوان از سر ما زیاد بوده در جامعه از گنداب باقی‌مانده قجری با میراث دیکتاتوری تا پیش از شهریور بیست که روزگار پرورده- پدیدآمده چنین شخصیت‌هایی بود. بله به گواهی شخصیت‌هایی که نام بردم تأثیر انسان‌مداری و خردپیشگی مرتضی کیوان بر چهره‌هایی چون آقای ابتهاج و دیگران عمیق‌تر از آن بوده که در گمان بکنجد. کیوان یکی از همان اتفاقاتی است که گاهی در کشور و جامعه ما رخ می‌دهند. بعد از آن، باز هم دیدار ما در تهران بود و بعد در کلن بود و آخرین بار هم که آقای ابتهاج را دیدم در همین سال خورشیدی بود که در کلن باز به اتفاق سیاوش به دیدار ایشان رقتیم و این‌بار پلدا، دختر آقای ابتهاج هم آنجا بود و گفت‌وگو می‌کرد درباره آقای شجریان. و آقای ابتهاج از زندگی هنری او که در سال‌های پیش از انقلاب اسلامی آغاز شده بود گفت و از افت‌وخیزها، رضا و نارضایی‌ها، دوستی و ارادتی که آقای شجریان به هوشنگ ابتهاج داشته از لحن سخنانش پیدا بود. در آخرین روزها، مسعود بهنود با من تماس گرفت و پیشنهاد کرد به آقای گلستان و آقای ابتهاج زنگی بزنم. من هرچه سعی کردم مقدور نشد با آقای گلستان تماس بگیرم و یادداشت احترام‌آمیزی برایشان نوشتم تا به ایشان برسانند. از تلفن زدن به آقای ابتهاج هم دوری جستم برای اینکه خواستم تصویری که آخرین بار در ذهن من داشته‌ام مانند اولین تصویر باقی بماند و نخواستم صدای او را زار بشنوم، در حالی که می‌توانستم بگویم آقای ابتهاج شما گفتید که من تا ۹۵ سالگی می‌روم و الان هم تقریباً نزدیک ۹۵ سال دارم، اما گفتم جای طنز و شوخی هم نیست! به هر حال، هوشنگ ابتهاج انسان عزیزی بود و من دوستش می‌دانم و در هر فرصتی توانسته‌ام به دیدنش رفته‌ام و هر بار هم رقتیم مایه خرسندی برای من شد و احتمالاً برای ایشان هم تحمل‌پذیر بوده باشم. آقای ابتهاج در کمال منانیت و درست‌دستی و باورمندی نسبت به سوسیالیسم جای خودش را داشته، دارد و خواهد داشت. در مورد نحوه کار یعنی شعر، گمان می‌کنم دو شخصیت داریم که عملاً هم‌نوا شدند با ذهنیت امروزی و قدیمی مردم ایران، یکی ابتهاج است و دیگری سیمین بهبهانی. اگر توجه کرده باشید بعد از انقلاب تا شاملو وجود داشت، شعر به آن سلسله‌ای ادامه داد که از نیما آغاز شده بود اما بعد از شاملو شعر در آن سلسله جهت دیگری پیدا کرد و این دو شاعر ما به غزل پرداختند و آوردن مسائل اجتماعی امروز در قالب غزل که در این کار هر دو موفق بودند و ابتهاج موفق‌تر، برای اینکه بار اجتماعی در زندگی ابتهاج بود و تجربیات بیشتری داشت و به‌گمانم آرزومندی‌های دورتری هم داشت که تا ۹۵ سالگی او ادامه یافت.

عکس: رضا مطهریان

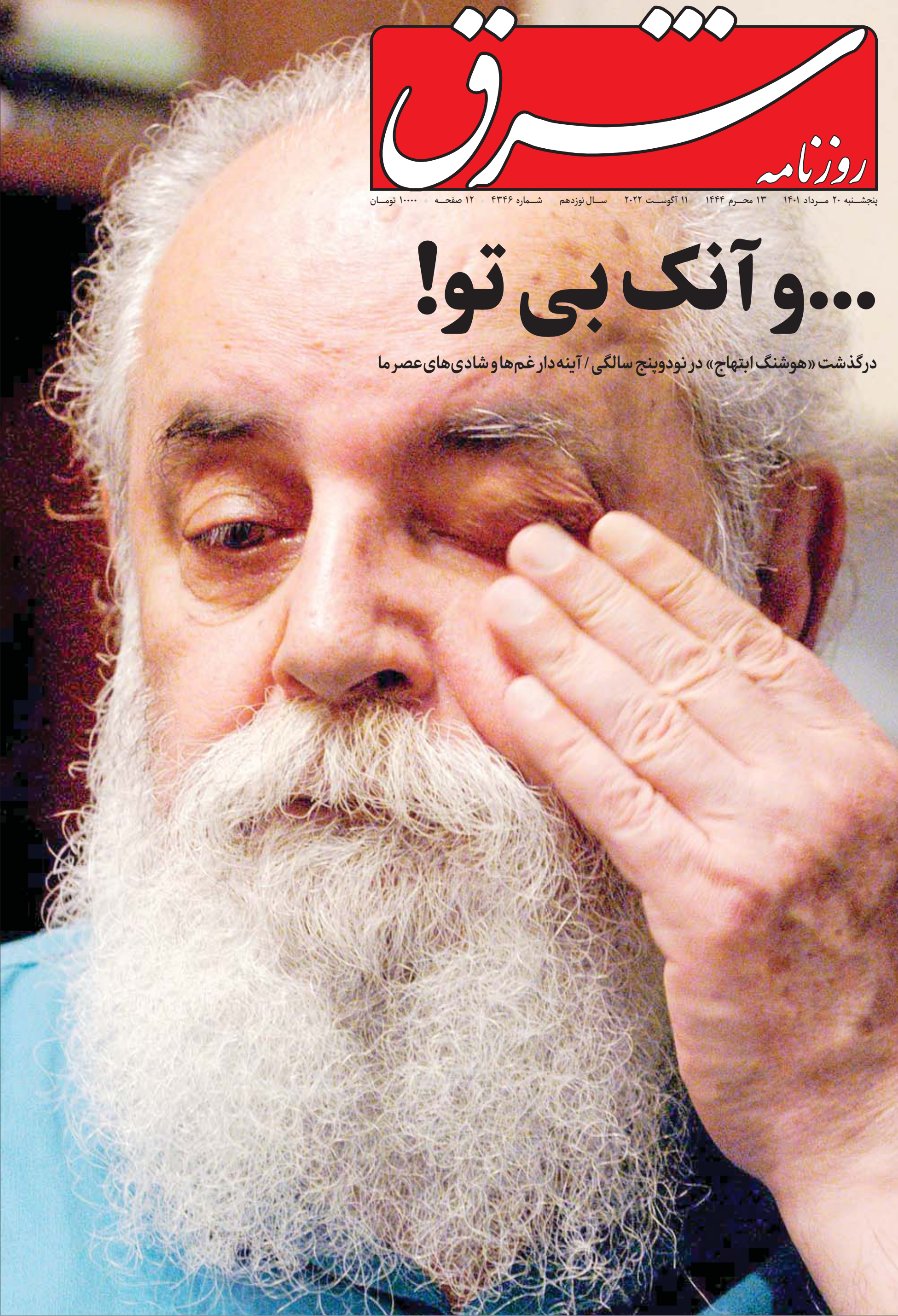
سایه

روزنامه

پنجشنبه ۲۰ مرداد ۱۴۰۱ | ۱۳ محرم ۱۴۴۴ | ۱۱ آگوست ۲۰۲۲ | سال نوزدهم | شماره ۴۳۴۶ | ۱۲ صفحه | ۱۰۰۰۰ تومان

...و آنک بی تو!

درگذشت «هوشنگ ابتهاج» در نودوپنج سالگی / آینه‌دار غم‌ها و شادی‌های عصر ما



جناب دکتر ساعی

درگذشت خواهر گرامیتان را تسلیت عرض می‌کنیم و از خداوند متعال برای آن مرحومه آمرزش و مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

امیر مظاهری، در سرا

خواهر عزیز و مهربانم پرواز کرد

شریفه عزیزم همیشه در قلب منی

با توجه به شرایط و ایام کرونایی برای سلامت عموم، ختم خواهر عزیزم برگزار نمی‌گردد و هزینه آن صرف امور خیریه می‌شود.

خاندان ساعی و دکتر مجید گلزاری

جناب آقای مجید پورخدایی

درگذشت پدر گرامیتان را تسلیت عرض می‌کنیم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحوم رحمت و مغفرت واسعه و برای جنابعالی و خانواده محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

ادیب، نیکجو، ذوالرحمی، در سرا، سلیلی
عرفان مناغبی، امیر مظاهری